

به نام خداوند جان و خرد

صندلی لهستانی

نویسنده

احمد علی راغب



انتشارات قائم

سرشناسنامه
 عنوان و پدیدآور : صندلی لهستانی / احمد علی راغب
 مشخصات نشر : تهران : قائن ۱۳۸۵
 مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص ؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س . م
 شابک : 964 - 8981 - 09 - 4
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا.
 موضوع : داستانهای فارسی -- قرن ۱۴
 رده بندی گنگره : ۱۳۸۵ ص ۹ ص ۶۲ الف / ۸۰۵۸ PIR
 رده بندی دیویی : ۸۴۳/۶۲
 شماره کتابخانه ملی : ۸۵-۵۰۶۳۸ م

صندلی لهستانی

نویسنده: احمد علی راغب

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۸۶ شمسی

صفحه آرائی: نشر قائن - ۸۸۳۱۵۱۰۸ - ۴۴۴۹۵۹۲۷

لیتوگرافی: نوین

چاپخانه: زنبق

انتشارات: قائن

تهران: تلفن: ۴۴۴۹۵۹۲۷-۸۸۳۱۵۱۰۸ همراه ۰۹۱۳۳۱۷۳۵۵۰

کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ است

شابک: ۹۶۴ - ۸۹۸۱ - ۰۹ - ۴ ISBN : 964 - 8981 - 09 - 4

پیشگفتار

پس از اشغال کشور لهستان توسط ارتش آلمان. مردم لهستان که جان و مالشان مورد تعرض قوای اشغالگر قرار گرفته بود و به اردوگاه اسرا و کار اجباری فرستاده می شدند تا اموالشان به نفع اشغالگران مصادره شود ناچار با تشکیل گره های مقاومت در قالب نیروهای زیر زمینی و پارتیزانی به مقاومت پرداختند. اما تعدادی از خانواده ها که بنا بر دلایلی قادر به پیوستن به این جنبش های مقاومت نبودند اقدام به مهاجرت نمودند که از این میان تعداد دو هزار خانواده از یهودیان لهستان به اتحاد جماهیر شوروی آن زمان که با آلمان و ارتش هیتلر در حال جنگ بود وارد شدند و کشور روسیه نیز به دلایل امنیتی با کشور ایران که در این جنگ بی طرف تلقی می شد وارد مذاکره گردید تا این خانواده ها به عنوان مهمان سیاسی وارد ایران شوند و پس از خاتمه جنگ به لهستان برگردانده شوند. در نتیجه ارتش شوروی که شمال ایران را به طور نامحسوس در اشغال داشت با موافقت دولت ایران این مهاجران را در سواحل بندر انزلی، ترکمن، حسن کیاده پیاده نمود و در تعدادی چادر اسکان داد

طبق مذاکرات میان ایران و روسیه مقرر شد دو کشور تأمین مایحتاج غذایی و بهداشتی این خانواده ها را به طور مساوی به عهده گیرند و

لاکن علی رغم پایبندی ایران به این تعهد دولت روسیه نه تنها به وظائف خود عمل ننمود بلکه با کارشکنی مانع از انجام وظایف نمایندگان ایران شد که در نهایت بر اثر قدرت روسها یهودیان لهستانی در گرسنگی و بیماری روزگار می گذراندند. لذا این پناهندگان با فروش لوازم خانگی، پوشاک و سایر زینت آلاتی که همراه آورده بودند مقدار اندکی غذا و دارو تهیه می کردند که پاسخگو نبود.

در این زمان مادام ماری که روسی الاصل بود و پس از سکونت در ایران نام مریم زند را برگزیده و همسر یک ژنرال متوفای ایرانی بود به دلیل تسلط بر چند زبان از طرف دولت ایران مأموریت پیدا کرد تا در انزلی ناظر بر تقسیم کمکهای دو دولت به این خانواده ها باشد تا مانع از بدنام کردن ایران توسط روسها در مجامع بین المللی گردد و روسیه نتواند از این مسئله به نفع خود در کنفرانس تهران که برگزاری آن نزدیک بود سود برده ایران را به سستی در پذیرایی از این مهمانان متهم کند.

ماجرای این کتاب ضمن بیان نحوه زندگی ساکنان انزلی در زمان وقوع داستان به وضعیت پناهندگان لهستانی از زبان مادام ماری می پردازد. به امید آنکه گوشه ای از تاریخ و مهمان نوازی این ملت کهن را بیان کرده باشد.

احمد علی راغب

فروردین ۱۳۸۶